

## نظام اقتصادی اسلام

حجت‌الاسلام دکتر احمدعلی یوسفی<sup>۱</sup>

### چکیده

در این نشست، استاد در پی روشن‌ساختن مدلی از نظام اقتصادی است که در آن عدالت به معنای اسلامی و قرآنی آن نمود داشته باشد. استاد بر آن است در طراحی نظام اقتصادی اسلام به گونه‌ای باید نظر بدهیم که عدالت اقتصادی به عنوان یک عامل درون‌زا و از درون خود نظام بجوشد و این بحث بیشتر برای این ارائه شد که ما حوزویان بدانیم در ارتباط با نظام اقتصادی اسلام چه وظایفی داریم. ما مجموعه‌ای از آموزه‌های نظام‌مند مرتبط به هم را تنها وقتی به عنوان نظام اقتصادی اسلام نام می‌گذاریم که از روش اجتهاد و منابع اجتهاد، استنباط و استخراج شود و این برای اجرا و طراحی «حجت» خواهد بود.

در ادامه ایشان به یکی از مباحث مهم اصول مکتب اسلام می‌پردازد که آیا اصل بر رقابت است یا تعاون یا انحصار؟ هر یک از این مدل‌ها نماینده‌ای در جهان دارند.

بحث دیگر استاد، دخالت دولت یا عدم دخالت آن است. نظام سرمایه‌داری اصل عدم دخالت دولت را براساس مبانی هستی‌شناختی‌اش نتیجه گرفته و نظام کمونیستی اصل دخالت مطلق دولت را که همه‌چیز در اختیار دولت است. اما در نظام اسلامی اصل، حضور مسئولانه دولت در اقتصاد است. نظام سرمایه‌داری قائل به مالکیت مطلق فردی و نظام کمونیستی مالکیت فردی را مطلقاً ملغی می‌کند. اما براساس آموزه‌های اسلامی قائل به مالکیت مختلط هستیم: فردی دولتی و عمومی. استاد از اهم موارد عدالت دینی را فرصت‌های تغذیه‌ای و بهداشتی می‌داند و بهترین دولت را آن می‌داند که بتواند بخصوص در فرصت‌های تغذیه‌ای و بهداشتی عدالت و انصاف (تناسف) بورزد.

---

۱. این گفتار توسط آقای امیر محمدیان استناددهی شده است. برای آشنایی با سخنان رک: پایان نشست.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»<sup>۱</sup>

## مفهوم‌شناسی نظام اقتصادی اسلام

بحث ما درباره نحوه کشف و طراحی نظام اقتصادی اسلام براساس مبانی فقهی و آموزه‌های اسلامی است؛ لذا ما در ابتدا باید تعریف روشنی از خود نظام اقتصادی اسلام داشته باشیم. من وارد بحث‌های گوناگون و متفاوتی که در ارتباط با تعریف نظام اقتصادی اسلام وجود دارد نمی‌شوم لذا آن تعریفی که به هر حال در جمع‌بندی به آن رسیدیم این را خدمت شما توضیح می‌دهم. نظام اقتصادی یعنی مجموعه‌ای از آموزه‌های نظام‌مند از مبانی هستی‌شناسانه، اصول و مکتبی، احکام فقهی، حقوقی، اخلاقی و الگوهای رفتاری در جهت اهداف خاصی (یا به تعبیری اهداف اقتصادی بهتر).<sup>۲</sup>

این واژه‌ها را توضیح می‌دهم. نظام چه نظام اقتصادی باشد چه نظام سیاسی و چه نظام اجتماعی، اگر شما بخواهید این مجموعه آموزه‌ها را نظام نام بگذارید حتماً هر نظامی باید براساس یک مبانی هستی‌شناسی شکل بگیرد. در واقع نظام، مبانی هستی‌شناختی، بنیان‌ها و پایه‌های فکری آن مکتب هست و لذا هر نظامی بنیان‌های فلسفی و کلامی درستی نداشته باشد قابل دفاع نیست و در فرازوفرودهای مسایل اجتماعی فرومی‌ریزد.

شما الآن نظام سرمایه‌داری را ببینید، چندصدسال است براساس یک سری بنیان‌های فلسفی و کلامی نهاده شده است و همچنان باقی است. نظام کمونیستی نیز به همین نحو، گرچه یک مقطعی فروکش کرد ولی در این فروپاشی در واقع نظام سرمایه‌داری بعد از فروپاشی شوروی سابق الآن در این

---

۱. «بهراستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است.» (حدید: ۲۵)

۲. توضیح بیشتر: اختلافات فراوانی در مورد ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی وجود دارد. برخی اقتصاد اسلامی را همان احکام و قوانینی اقتصادی می‌دانند که در کتب فقهی چون مکاسب محرمة، بیع، مضاربه، مساقات، مزارعه، شرکت، اجاره و جماله وجود دارد و برخی چون شهید صدر<sup>۳</sup> معتقدند اسلام دارای مکتب اقتصادی نیز هست و برخی دیگر می‌گویند اسلام علم/اقتصاد نیز دارد. بعضی هم به‌طور کلی منکر اقتصاد اسلامی شده و می‌گویند اسلام تنها اهداف و ارزش‌های کلی را ارائه کرده است و احکام و قوانین موجود در حوزه اقتصاد غالباً امضایی و مخصوص صدر اسلام بوده و جزء احکام ثابت و جهان‌شمول اسلام نیست. (ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹؛ محمود الخالدی،

الاقتصاد فی الاسلام، ج اول: مکتبة الرسالة الحدیثه، ۱۴۰۶/۱۹۸۶م، ص ۳۵-۴۸)

اوضاع کتاب‌ها و نوشته‌های کمونیستی در دنیا فوق‌العاده با استقبال روبرو شده است. یعنی مجدداً با آن مبانی فلسفی و کلامی خودشان دارند وارد صحنه می‌شوند.

منظور از مبانی هستی‌شناسانه هستی‌شناختی، نوع نگاهی است که ما به مقوله‌های اساسی هستی داریم و آن نگاه ما در رفتارهای ما در آن عرصه و در الگوهایی که استخراج می‌کنیم تأثیر دارد. نوع نگاهی که ما به خدای متعال و رابطه خدا با انسان‌ها و انسان‌ها به جامعه، نوع نگاهی که ما به جهان هستی داریم، همان هستی‌شناسی ما است. در طراحی آن نظام، آیا ما نگاه‌مان به این جهان، جهان مادی است یا اعم از جهان مادی و معنوی و اخروی؟ لذا نوع نگاه و ارتباط اینها در طراحی نظام اقتصادی و هر نظامات اجتماعی دیگر تأثیرگذار است.

نیز نوع نگاهی که ما به انسان داریم، انسان‌شناختی و نوع تأثیر این انسان‌شناختی در عرصه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و نوع نگاهی که ما به جامعه داریم اینها هم مهم است. مثلاً آیا اصالتاً فردی هستیم یا اصالتاً اجتماعی هستیم و یا اصالتاً فردی و اجتماعی هستیم. اینها به شدت در نوع طراحی و استنباط و کشف و اجتهاد در آن نظام اقتصادی تأثیرگذار است و ما باید تکلیف اینها را براساس آموزه‌های اسلامی در طراحی نظام اقتصادی ابتدا مشخص کنیم و بدون این، اساساً نظام اقتصادی نمی‌تواند شکل بگیرد.

### اصول مکتبی

ما باید براساس همان مبانی هستی‌شناختی، اصول مکتبی خودمان را استنباط و استخراج کنیم. همه این ظرفیت‌ها در اسلام موجود است. بنده خودم براساس این کاری که در کتاب نظام اقتصاد علوی<sup>۱</sup> انجام دادم، عرض می‌کنم. اصول مکتبی یعنی هر صاحب‌مکتبی براساس مبانی خاصی که نظام سرمایه‌داری داشته است گفته مثلاً اصل، آزادی مطلق اقتصادی<sup>۲</sup> باشد یا نظام کمونیستی<sup>۳</sup> باشد و مطلقاً آزادی اقتصادی را ملغی کرده است. این را براساس مبانی هستی‌شناختی که داشتند، گفته‌اند.

ما سه نوع اصل رفتاری در اقتصاد داریم. حالا آیا اصل بر رقابت است یا تعاون یا انحصار؟ ما باید این را از منابع اسلامی مان استنباط و استخراج کنیم که آیا اصل رفتاری در اقتصاد رقابت است که نظام سرمایه‌داری قبول کرده است، انحصار مطلق است که نظام کمونیستی می‌گوید یا نه، هیچ‌کدام از اینها نیست، و اصل رقابت را ما باید به‌گونه‌ای دیگر تعریف کنیم. من در کتاب نظام اقتصاد علوی، دقیقاً

---

۱. نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)، احمدعلی یوسفی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

۲. برای مطالعه بیشتر: نقد و بررسی آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری، امیر خادم عزیزاده، کتاب نقد، تابستان ۱۳۷۸، ش ۱۱؛ سرمایه‌داری و آزادی، میلتن فریدمن؛ ترجمه غلامرضا رشیدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.

۳. برای مطالعه بیشتر: مارکس، کارل. بیانیه کمونیست، ترجمه برهان رضایی، نشر کارگری سوسیالیستی، ۱۳۸۱. آدرس

براساس آموزه‌های اسلامی، یعنی گفتار و سیره امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام)، اصل رقابت مسئولانه و اصل رقابت آزادی اقتصادی مسئولانه را استخراج و استنباط کردم.

پس گفتیم اصل آزادی، اصل رقابت، اصل توزیع. البته همه مکاتب می‌گویند اصل بر توزیع عادلانه است. نظام سرمایه‌داری هم مدعی اصل توزیع عادلانه<sup>۱</sup> است، ما هم می‌گوییم اصل توزیع عادلانه، نظام کمونیستی هم قائل به اصل توزیع عادلانه است؛ منتها اصل توزیع عادلانه هرکدام از اینها از کدام مبانی و اصول گرفته می‌شود؟ نظام سرمایه‌داری می‌گوید هرچه رقابت آزاد داروینیستی گفته، هرچه از درون این درمی‌آید، نتیجه آن اصل توزیع عادلانه می‌شود.

نظام کمونیستی هم می‌گوید که هرکس به مقدار توان، تلاش و به مقدار نیاز بهره‌مند است و این اصل توزیع عادلانه می‌شود.<sup>۲</sup>

اسلام هم در اینجا اصل توزیع عادلانه را مبتنی بر دریافتش از قرآن و دین ارائه می‌دهد.

### اصل، حضور مسئولانه دولت در اقتصاد است

اصل دیگر مکتبی، بحث دخالت یا عدم دخالت دولت است.

نظام سرمایه‌داری اصل عدم دخالت دولت را براساس مبانی هستی‌شناختی نتیجه گرفته است، نظام کمونیستی هم اصل دخالت مطلق دولت را (که همه‌چیز در اختیار دولت است) می‌گوید.<sup>۳</sup> البته براساس

---

۱. عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام با اشاره موردی به نظام سرمایه‌داری لیبرال، احمدعلی یوسفی، کتاب نقد، ۱۳۸۴، ش ۳۷.

۲. کمونیسم یک نظام بدون طبقات با مالکیت همگانی وسایل تولید و برابری کامل اعضای جامعه است. (داریوش آشوری، دانش‌نامه سیاسی، انتشارات مروارید، ص ۲۶۱-۲۶۳) بعد از اینکه مفهوم کمونیسم و مکتب آن و همچنین کمونیسم به معنای اخص آن یعنی دوره نهایی فلسفه تاریخ مادی مارکس را با آن ویژگی‌هایش یادآور شدیم، لازم است به نکاتی در نقد آن اشاره شود. ۱. در کمونیسم تقسیم‌کار ملغی خواهد شد و مالکیت فردی یکسره از بین خواهد رفت. به هرکس به قدر نیازش و نه کارش، مزد داده، خواهد شد و حال اینکه باید گفت مکتب مارکس، عدالت را در تساوی کامل می‌بیند اما می‌دانیم عدالت در تساوی کامل نیست! کارهایی از قبیل الغای تقسیم‌کار و دادن مزد به تناسب نیاز (نه به تناسب کار) اگرچه موجب تساوی می‌گردد اما عادلانه نیست چون تفاوت‌های طبیعی و تکوینی را نادیده می‌گیرد. مساوات در هر اوضاع و احوالی مطلوب نیست بلکه اگر مقتضای عدالت باشد مطلوب خواهد بود یعنی آنچه حق است عدالت است و مطلوب خواهد بود. (محمدتقی مصباح‌یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۸۶)

۳. در دولت سوسیالیستی، دولت در اقتصاد نقش اساسی دارد. مدیریت دولتی اقتصاد، برنامه‌ریزی گسترده و محدودیت یا حذف مالکیت خصوصی از معیارهای مهم سوسیالیسم است. مرحله کمونیسم به صورت واپسین مرحله تکامل نظام اجتماعی و نابودی کامل مالکیت خصوصی، حذف دولت را به دنبال دارد. دولت سوسیالیسم، برنامه‌ریز متمرکز، بیشترین وظایف دولت را در صحنه اقتصاد دارا است. (تونی فیتزپتریک، نظریه رفاه، هرمز همایون‌پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۶۲-۱۶۵)

مالکیت این را نتیجه می‌گیرند، و در نظام اسلامی هم اصل دخالت دولت در امور اقتصادی است یا عدم دخالت، این را بسط خواهم داد.<sup>۱</sup>

بنده به این نتیجه رسیدم که اصل، حضور مسئولان دولت در اقتصاد است. دولت برای اینکه در اقتصاد بیاید یک مسئولیت‌ها و وظایفی دارد، برای انجام وظایفش در واقع باید حضور پیدا کند. میزان دخالت (حد، اندازه، کم، زیاد) و نوع عرصه‌ها را دولت باید تعیین کند تا ببینیم که دولت اینجا دخالتش موجب انجام مسئولیت‌ها و وظایفش می‌شود یا نه؟ وظایف و مسئولیت‌هایی که برعهده دولت گذاشته شده است در واقع اینجا جای حضور دولت هست یا نیست.

### اصل مالکیت مختلط

نظام سرمایه‌داری نظام مالکیت مطلق فردی را ارائه می‌دهد؛ اما نظام کمونیستی مالکیت فردی را مطلقاً ملغی می‌کند، خوب اسلام در اینجا چه می‌گوید؟

ما براساس آموزه‌های اسلامی قائل به مالکیت مختلط هستیم: فردی دولتی و عمومی.<sup>۲</sup>

---

۱. برای مطالعه بیشتر: بررسی تطبیقی امتداد مبانی هستی‌شناختی نظام سرمایه‌داری و اسلامی در شکل‌گیری رفتارهای فردی و ساختارهای اقتصادی جامعه با تأکید بر بیانات رهبری (رویکرد اقتصادی)، نویسندگان: احمدعلی یوسفی و مجتبی غفاری، قیاسات، سال بیست و چهارم، بهار ۱۳۹۸.

۲. مالکیت عمومی: اموالی هستند که هیچ فرد خاصی، مالک آنها نیست تا بتواند به‌نحو دلخواه در آن تصرف کند؛ بلکه ملک همه مسلمانان است؛ خواه آنان که در قید حیات‌اند و خواه آنان که هنوز به دنیا نیامده‌اند. (حسین حقانی‌زنجانی، تحقیقی درباره انفال یا ثروت‌های عمومی، ص ۳۴) در مالکیت عمومی، اجازه تصرف و بهره‌برداری عموم مردم (اعم از مسلمان و غیرمسلمان که تابعیت دولت اسلامی را دارند) در ثروت‌های عمومی با نظارت مستقیم دولت است. به‌همین سبب تحت نظارت ولی‌امر مسلمانان قرار می‌گیرد تا به‌گونه‌ای مناسب به افراد واگذار شود و درآمد حاصل از آنها به‌صورت ملک عموم مسلمانان، در راه‌هایی صرف شود که نفع آن، عاید عموم مسلمانان شود. (ا.د. عبدالحمید محمود البعلی، اصول الاقتصاد الاسلامی، ص ۷۸)

یکی از فلسفه‌های وجودی که برای این نوع مالکیت مطرح شده، احترام به مصالح آیندگان است؛ زیرا اگر ملکی جزو اموال عمومی باشد، دغدغه اینکه مسلمانان آینده نیز در آن سهیم هستند، مالک را به استفاده از ملک به‌اندازه رفع نیاز و مواظبت و نگهداری از آن برای آیندگان ملزم می‌کند. (مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۱۰۹)

لذا منشأ این نوع مالکیت در حقوق اسلامی با دیگر نظام‌های حقوقی متفاوت است. به‌همین سبب در نظام سرمایه‌داری که مالکیت خصوصی را اصل قرار داده، مالکیت عمومی به‌طور کاملاً محدود مطرح است، و در نظام سوسیالیسم که مالکیت خصوصی را به غیر از موارد خاص محکوم می‌کند، کلیه اموال تولیدی و سرمایه‌ای و ابزارها تحت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دولت قرار دارد. درباره موارد مالکیت عمومی در منابع اقتصاد اسلامی اختلاف نظر مشاهده می‌شود. برخی، ثروت‌های عمومی را شامل زمین موات، آباد طبیعی، مفتوح العنوه و صلحی دانسته‌اند. (سیدعباس موسویان، کلیات نظام اقتصاد اسلامی، ص ۵۲؛ مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۲۳۲)

ما یک تفاوتی بین احکام فقهی حقوقی قائل شدیم. احکام حقوقی در واقع ضمانت اجرایی در جامعه دارد. یعنی قانون پشتیبانی می‌کند، خلافش مواجه با خلاف قانون در جامعه می‌شود. فرض کنید ما اسراف را می‌خواهیم در نظر بگیریم. ما ممکن است این را حکم فقهی بگیریم؛ اما حکم حقوقی نگیریم. یعنی یک کسی در رفتار فردی خودش ممکن است اسراف کند، و قانون نباید مجازاتش کند. بله، اگر از منابع ملی باشد امر دیگری است؛ اما اگر از منابع شخصی‌اش باشد ممکن است این قانون نیاید. در واقع این حکم فقهی است؛ اما حکم حقوقی نیست.

احکام اخلاقی را هم مستحضر هستید در واقع تأثیرگذار در رفتارهای اقتصادی است. مانند ایثار، از خودگذشتگی، توکل، انصاف، وفای به عهد، وفق، مدارا. اینها در واقع احکام اخلاقی تأثیرگذار در عرصه اقتصادی و رفتارهای اقتصادی است. الگوهای رفتاری؛ الگوهای رفتاری مثل الگوی مصرف، الگوی پس‌انداز، الگوی سرمایه‌گذاری، الگوهایی که در بازار کالاها و خدمات، الگوی بازار کار نیروی انسانی، خوب مجموعه اینها باید در جهت اهداف اقتصادی باشد.<sup>۱</sup>

### اهداف اقتصادی

در اهداف اقتصادی ما یک هدف غایی در نظام اجتماعی داریم که می‌شود اثبات کرد سعادت یا آن کمال مادی و معنوی حاصل می‌شود یا نه. هدف نظام اقتصادی که در واقع متولی تأمین امور مادی انسان‌هاست، رفاه عمومی است نه مثلاً قرب الی الله. نظام، اهداف میانی هم دارد: عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی و یک اهداف عملیاتی هم دارد.

---

مالکیت دولتی: مقصود از «مالکیت دولتی»، «مالکیت حکومت اسلامی» یا «مالکیت امام» است. این نوع مالکیت، مالکیت منصب امامت و رهبری امت اسلامی است، نه مالکیت شخص امام؛ زیرا این نوع مالکیت از امامی به امام دیگر منتقل می‌شود، نه به وارثان او (به همین سبب امام هادی (علیه‌السلام) در روایتی، اموالی را که از پدر خود به ارث مانده است، به دو نوع تقسیم می‌کند و می‌فرماید: «ما کان لأبی بسبب الإمامة فهو لی و ما کان غیر ذلک فهو میراث علی کتاب الله و سنة نبیه»؛ اموالی که مربوط به جهت امامت و رهبری است، از آن این‌جانب است که عهده‌دار مقام رهبری هستم و اموالی که غیر این موارد بوده و مربوط به شخص پدرم هست، میراث وی بوده که براساس کتاب خدا و سنت رسولش باید تقسیم شود. (مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۱۰۴) از دیدگاه اسلام، در رأس دولت، شخصیت امام معصوم (علیه‌السلام) یا ولی‌فقیه قرار می‌گیرد. (مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۱۰۴)

منبع اصلی: دانشنامه موضوعی قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، برگرفته از مقاله «مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن».

۱. برای مطالعه بیشتر: اصول موضوعه حاکم بر رفتار انسان اقتصادی از منظر معرفت دینی، نویسندگان: داوود منظور، علی سعیدی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیستم‌های اقتصادی، سال بیست‌ویکم، ش ۶۵، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۰۵-۱۲۲.

در یک جمع‌بندی ما به این نتیجه رسیدیم که مجموعه‌ای از آموزه‌های نظام‌مند مرتبط به هم را ما به‌عنوان *نظام اقتصادی اسلام* نام می‌گذاریم که از روش اجتهاد باید از منابع اجتهاد استنباط و استخراج شود تا برای اجرا و طراحی حجت باشد.<sup>۱</sup>

ما باید یک نظام اقتصادی را که مدنظر شارع است، استنباط و سپس اجرا کنیم. نظام دو بعد دارد: یک نظام نظری و یک نظام عملی. الآن داریم آن نظام نظری را که وظیفه ما هست می‌گوییم. لذا در مقام استنباط هستیم تا بعد، وقتی بخواهیم در جامعه اجرا کنیم بدانیم آن نظام چیست و چه ویژگی‌هایی دارد.

## روش امضاء<sup>۲</sup>

در کشف نظام اقتصادی اسلام تا الآن ما در آن چیزی که اجرا کردیم از چه روشی استفاده کردیم؟ یعنی مبنای مشهوری که در فقه ما براساس آن عمل می‌کنیم آن روش چیست؟ *روش امضاء*.

دوستانی که با فقه‌آشنایی دارند حتی در رسائل و مکاسب و لمعه یا اصول مظفر خواندند حتماً با این روش آشنا هستند. روش امضاء چیست؟ در تمام قراردادها، معاملات، پیمان‌های عرفی ما به روش فقه اصغر و روش امضاء و بر مبنای فقه اصغر عمل می‌کنیم. یعنی براساس آن استنباط و استکشاف می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم بر مبنای اوفوا بالعقود، أحلّ الله البيع، تجارة عن تراض و... معامله نباید ربوی یا ضرری یا غرری باشد. لذا اکل مال به باطل نباید نباشد. اگر به این قبود رسیدیم موافق آن چیزی که از روش امضاء باقی می‌ماند موردقبول فقه اصغر می‌شود و ما به آن عمل می‌کنیم.

خوب دستگاه فقه ما در طراحی نظام اقتصادی چکار کرد؟ از همین روش *امضاء* براساس مبنای فقه اصغر ما آمدیم طراحی کردیم و در طول ۳۰-۴۰ سال هم اجرا کردیم. حالا ببینیم آیا این روش کافی است یا نه؟ آیا این روش برای کشف و استنباط نظام اقتصادی اسلام می‌تواند ما را به اهداف برساند و عدالت در درون خودش داشته باشد و اجرا کند؟ و اگر نتواند ما را به آن هدف یعنی طراحی کامل آن نظام کامل برساند آیا نقص دارد یا اساساً راه و روشش باطل است؟

روش *امضاء* قطعاً روش موردقبول فقه ما است و فقهای ما در طول صدها سال به آن عمل کردند قطعاً در این تردیدی نیست که روش موردقبولی در دایره فقه اصغر است. اما آیا در طراحی نظام این کافی است یا ما باید روش دیگری را در کنار این روش ضمیمه کنیم؟

۱. برای مطالعه بیشتر: *بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.

۲. برای مطالعه بیشتر: *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، محمدمهدی کرمی و محمد پورمند، تهران، سمت: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰؛ *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، محمود عبداللهی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱؛ *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، مجتبی الماسی، کرمانشاه، دانشگاه رازی، ۱۳۸۸؛ *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، داراب نبی‌زاده، همدان، نور علم، ۱۳۸۵؛ *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی (سطح پیشرفته)*، جواد ایروانی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۳.

خب، ما این روش را چگونه استفاده کردیم؟ ببینید ما می‌خواهیم بگوییم روش امضا را بر مبنای فقه اصغر در طراحی نظام چگونه استفاده کردیم، چگونه اجرا کردیم و در طول این سی و چند سال به چه نتایجی رسیدیم تا بعد ببینیم آیا ما باید روش دیگری در پیش بگیریم یا نه.

اسلام ظرفیت‌های بسیار عجیبی دارد، من اینجا مطلبی را خدمت شما عرض کنم، من کتابی در حدود تقریباً ده پانزده سال پیش تحت عنوان «ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن»<sup>۱</sup> نوشتم. بعد به بحث عرضه و تقاضای پول رسیدم و اینکه اصلاً ارزش پول از کجا ناشی می‌شود. در این باره نظریه‌های ارزش پول در دنیا و در اقتصاد سرمایه‌داری یک ادبیات علمی بسیار گسترده‌ای است. صدها و هزارها همایش، هزارها کتاب و نظریه‌ها در این زمینه مطرح شده است و ده‌ها نظریه در این زمینه مطرح شده است. آخرش آمدند به یکجایی منتهی شدند که روایت امام صادق (علیه‌الصلوة والسلام) در توحید مفضل<sup>۲</sup> اشاره کرده بود!

من در آن کتاب گفتم این فرآیند طولانی که این اقتصاد طی کرده است آخرش به یک نقطه‌ای رسیده است که این را ما به استناد به روایت امام به آن می‌رسیم یعنی نوع نگاه ما به آموزه‌های اسلامی و به آیات و روایات با سؤال و مسئله در عرصه اقتصادی اگر برویم اصلاً یک فضای دیگری برای ما روشن می‌شود.

### الهیات طبیعی و خدای ساعت‌ساز<sup>۳</sup>

خب، نظام سرمایه‌داری چکار کرد و ما با روش امضاء چکار کردیم؟ می‌پرسم اینکه «نظام سرمایه‌داری با اعتقاد به نظام طبیعی در همه عرصه‌ها از جمله عرصه اقتصادی، ربوبیت خدای متعال را انکار کرد» یعنی چه؟ نظام سرمایه‌داری بر اساس مبنای فلسفی و کلامی خودش قائل به این شد که خدای متعال، جهان را آفرید؛ اما بعد از آفرینش جهان دیگر کاری به جهان ندارد، چرا؟ چون یک نظامی به نام نظام طبیعی در این جهان نهاده است که قوانین آن نظام به‌گونه‌ای دقیق است مثل قوانین فیزیک و شیمی. مثل قوانین نیوتن و مثل قوانین جاذبه چنان دقیق

---

۱. منتشر شده از سوی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. نویسنده در ابتدا هدف و ضرورت تحقیق درباره پول‌های فعلی را بررسی کرده و سپس ضرورت بکارگیری پول‌های مختلف را در مبادلات جهانی که در نفی یا اثبات فرضیه‌های تحقیق مورد نیاز است، با روش مناسب تحلیل کرده است. فصل دوم در تحلیل عناوین مرتبط با پول از دیدگاه حقوق دانان، اقتصاددانان و فقیهان و ویژگی‌ها و ضابطه هر یک از عناوین است. او در فصل سوم با بهره‌گیری از مباحث قبل به تحلیل فرضیه‌های تحقیق می‌پردازد و ماهیت پول را از منظر خرد و کلان، بررسی می‌کند. در ضمیمه آن، جهاتی از پول صدر اسلام که به نحوی در روشن‌گری موضوع تحقیق کتاب مفید می‌باشد، به مطالب کتاب اضافه شده است.

۲. پای درس امام صادق (ع): ترجمه توحید مفضل، مفضل بن عمر، قم، جمال، ۱۳۸۷.

۳. برای مطالعه بیشتر: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، مقاله «سلام و سرمایه‌داری»؛ «سلام و سرمایه‌داری ۲».



هستند، خدای متعال در این عالم طبیعت آن قوانین نظام طبیعی را دقیق قرار داده است و آن قوانین در جهت سعادت انبای بشر به نحو کارا و کارآمد همیشه در حال فعالیت است.<sup>۱</sup>

متألهان الهیات طبیعی می‌گویند وظیفه دانشمندان اجتماعی و اقتصادی، کشف آن قوانین، معرفی آن قوانین به انبای بشر، تطبیق رفتارهای انبای بشر با آن قوانین و در نتیجه حصول سعادت (رفاه) است. ذات عرصه اقتصادی همین است. سکولار<sup>۲</sup> از همین جا ناشی می‌شود.

خب وقتی ما این نظام طبیعی را داریم و این نظام طبیعی قوانینش دقیق و ظریف است و این قوانین در جهت سعادت انبای بشر به نحو کارا و کارآمد دارد عمل می‌کند، دیگر اصلاً چه نیازی به ربوبیت خدای متعال و وحی و پیامبر داریم. لذا آنها گفتند که خدای متعال همانند یک معمار بازنشسته و یک ساعت‌ساز است.<sup>۳</sup>

ساعت‌ساز وقتی که ساعت را می‌سازد اگر از ابزارهای دقیقی استفاده شده باشد ممکن است صدها سال و یک میلیون سال، مثل یک ساعت دقیق کار کند. حالا آیا این ساعت برای کارکردن خودش هنگام کارکردن، نیاز به ساعت‌ساز دارد؟ استخوان‌های ساعت‌ساز هم ممکن است در قبر پوسیده شده باشد اما این ساعت دارد به کار خودش ادامه می‌دهد.

یک ساختمانی را یک معمار ساخته است، این ساختمان ممکن است پانصدسال باقی باشد و مردم از این ساختمان استفاده کنند اما ممکن است استخوان‌های معمار در قبر پوسیده باشد و تعبیر کردند نعوذبالله خدای متعال همانند معمار و ساعت‌ساز بازنشسته است که بعد از ساختن ساعت و ساختمان دیگر نیازی به ساعت‌ساز و معمار نیست!

نظام طبیعی یعنی این. خدای متعال نظام طبیعی را آفرید، اقتصاد نیز جزئی از این نظام طبیعی است؛ پس اقتصاد دارای قوانین متقن قطعی است که در جهت سعادت انبای بشر خودش کار می‌کند. پس در

---

۱. برای مطالعه بیشتر: دئیسم و اصول نظام سرمایه‌داری، علی اصغر هادوی‌نیا، کتاب نقد، تابستان ۱۳۷۸، ش ۱۱.

۲. اصول سکولاریسم:

(۱) توجه به علم و عقلانیت: اهتمام بر علم پس از رنسانس سبب شد همه امور، تنها از زاویه علم تحلیل شود. عقلانیت رنسانس، دین و اعتقاد دینی را به‌طور مطلق مخالف عقلانیت دانسته و باطل اعلام کرد.

(۲) جدایی نهاد دین از حکومت: به اعتقاد سکولاریسم، رسالت دین، رستگاری روح بشر و تأمین سعادت اخروی اوست؛ لذا دین نباید مبنای فعالیت‌های اجتماعی واقع شود. از این رو همواره از حکومت غیردینی دفاع می‌کند.

(۳) حاکمیت مردم به جای حاکمیت الهی: پس از چند قرن حکومت آباب کلیسا و مشاهده تضاد و تعارض در این شکل حکومت، سکولارها بر بی‌نیازی انسان از حکومت الهی حکم کردند. ناسازگاری دین با جامعه مدنی، قداست‌زدایی از فعالیت دولت و حاکمان، توجه به آزادی‌های اجتماعی و حقوق اصیل افراد، مبتنی‌کردن نظام حقوقی جامعه بر حقوق طبیعی و نه حقوق دینی از سایر اصول سکولاریسم است. (عبدالله نصری، انتظار بشر از دین، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، ص ۳۵۴-۳۵۵)

۳. برای مطالعه بیشتر: تحلیل و بررسی اندیشه ساعت‌ساز لاهوتی، عبدالرسول عبودیت، بازتاب اندیشه، ۱۳۸۴.

اقتصاد نیازی نه به دخالت خدا (هدایت تکوینی و تشریحی) داریم و نه به دخالت پیامبر و وحی. حتی نیازی به دخالت دولت هم نداریم! خود مردم آزاد باشند و دانشمندان فعالیت کنند و آن قوانین را کشف کنند و مطابق به آن قوانین عمل کنند تا همه مردم به رفاه برسند.<sup>۱</sup>

### اومانیسیم و ظهور الحاد

درواقع از اینجا اصل آزادی و رقابت مطلق کشف شد.<sup>۲</sup> سؤال کردند که آقا اگر این گونه باشد بعضی ها به منافع بیشتری می‌رسند و بعضی ها از گرسنگی خواهند مرد، گفتند یک دست نامرئی در بازار و در معاملات و فعالیت های اقتصادی هست که آن خودش می‌آید بین منافع همه گره می‌زند تا منافع اغنیا و فقرا را تنظیم می‌کند! حالا این نتیجه اش چه شد؟ فقر گسترده ای که الآن همه دنیا گرفتارش هستند!

براساس مبنای فقهی ما اگر چنین کسی چنین برداشتی از خداشناسی داشته باشد به او چه می‌گویند؟ ملحد. کسی تردیدی ندارد در این زمینه که به لحاظ فقهی چنین کسی کافر و ملحد است. پس مبنای نظام سرمایه‌داری براساس کفر نهاده شده است.

آنها گفتند ما باید ببینیم که انسان چه می‌خواهد؟ آن هم انسانی که بریده از وحی باشد و تحت اختیار شهوات نفسانی قرار می‌گیرد، عقلش در خدمت شهوت و خواسته های نفسانی قرار می‌گیرد. انسان محوری و اومانیسیم اینجا شکل گرفت.

پس خاستگاه طراحی نظام اقتصادی، عبارت بود از: اراده و خواست نفسانی و شهوانی و عقلی که در خدمت شهوات بشری قرار داشت. می‌خواهیم بگوییم که بعد از نظامی که این گونه طراحی شد ما از روش امضاء آمدیم این روش و آن طراحی نظام را جرح و تعدیلش کردیم و در عرصه های اجتماعی و سیاسی هم همین کار را می‌کنیم. یعنی فقه اصغر ما این کار را می‌کند. اینکه رهبری حفظه الله در سال ۹۰، در مورد طراحی نظامات اجتماعی سیاسی اقتصادی صحبت هایی که در کرمانشاه و در برخی از سفرها داشت، وظیفه حوزه را در طراحی نظامات اقتصادی دوچندان کرده است.<sup>۳</sup>

---

۱. آنها الگوی «خدای غایب» را مطرح کرده اند؛ یعنی آفریدگاری که پس از آفرینش جهان در آنچه در آن نهاده است، هیچ دخالتی نمی‌کند، (رحمان جلیلی، فرهنگ واژگان فلسفه، مشهد، انتشارات جاودان خرد، ۱۳۷۲، ص ۲۷) و به صورت یکی از عناصر جهان بینی نظام سرمایه‌داری مطرح شده و هرگونه دخالت پروردگار نفی شده است. این دخالت که می‌توانست در زمینه «رابطه خدا با اموال» و «رابطه انسان با اموال» نیز در نظر گرفته شود، مطابق این دیدگاه، جایگاهی ندارد و به همین سبب، در ادبیات متعارف اقتصادی بررسی نشده است. (حسین نمازی، نظام های اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹، ص ۲۶)

۲. برای مطالعه بیشتر: عبدالله جاسبی، ارزیابی و نقد نظام های اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۶، ج اول؛ حسین نمازی، نظام های اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، چ پنجم؛ امیرباقر مدنی، نظام های اقتصادی، تهران، ۱۳۵۲، چاپخانه کیهان.

۳. [farsi.khamenei.ir/print-content?id=۱۷۰۹۷](http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=۱۷۰۹۷).

رهبری به نکته‌های بسیار دقیقی رسیده است و در این سخنرانی درخواست کرده که حوزه‌ها باید در طراحی نظامات اجتماعی اقتصادی حضور پیدا کنند و براساس مبانی اسلامی، نظامات اجتماعی سیاسی اقتصادی را طراحی کنند.

### نظام اقتصادی سکولار<sup>۱</sup>

مکتب سرمایه‌داری، نظام اقتصادی سکولار خود را با اصول ذیل معرفی کرده است: اصل حداکثرسازی منفعت مادی شخصی به‌دوراز هرگونه قیود اخلاقی و ارزشی. آنها براساس این آمدند گفتند منفعت مادی، خیر اعظم است و رفتار حداکثرسازی منفعت مادی شخصی تنها رفتار عقلایی است. وقتی که حداکثرسازی سود شخصی شد، معنویت، آخرت، سود آخرتی اصلاً هیچ جایگاهی در رفتارهای اقتصادی ندارد.

### اصل مالکیت مطلق اقتصادی

اصل دیگر، مالکیت مطلق اقتصادی است. اصلاً چرا این اصل پذیرفته شد؟ وقتی سود مادی خوب شد یعنی خیر و شر، و سعادت و غیرسعادت را تعریف می‌کنیم، انسان سعادت‌مند چه کسی شد؟ هرکسی که بیشتر از امکانات مادی برخوردار باشد سعادت‌مندتر شد. لذا اصل مالکیت مطلق اقتصادی پذیرفته شد.

### اصل رقابت به شکل داروینیستی<sup>۲</sup>

دیدیم که اصل رقابت و آزادی اقتصادی به شکل داروینیستی آن پذیرفته شد. ببینید از یک طرف، سود، معیار خیر و شر شد (لذا هرکس بیشتر امکانات مادی داشته باشد سعادت‌مندتر است) و مردم هم برای رسیدن به آن سود، آزاد بودند و از طرف دیگر، چون سود محدودیت دارد رقابت بین مردم اتفاق می‌افتد. در این عرصه رقابت اقتصادی هرکس بیشتر منافع کسب کند سعادت‌مندتر است.

---

۱. برای مطالعه بیشتر: تبیین مبانی و اصول سکولاریسم؛ با تأکید بر تأثیر آن در نظام‌های حقوقی اروپایی و ایران، محمود صابر و حسین جوادی‌حسین‌آبادی، مجله حقوقی، دوره پنجم، بهار ۱۳۹۷؛ خاستگاه و مبانی سکولاریسم، مراد تقفی، بازتاب اندیشه، ۱۳۸۱، ش ۳۴.

۲. منظور از داروینیسم/اجتماعی‌کاردهایی از دیدگاه تکامل بیولوژیک داروین در جوامع انسانی است. این اصطلاح اغلب (به‌طور نادرستی) با تفکرات محافظه‌کارانه، سرمایه‌داری مبتنی بر بازار کاملاً آزاد، دیدگاه‌های فاشیستی و نژادپرستانه همراهی دارد. داروینیسم/اجتماعی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بخصوص در انگلستان و آمریکای شمالی تفوق داشت. دو تن از مدافعان مشهور این نظریه «هربرت اسپینسر» (طراح نگرش بقای اصلح) و ویلیام گراهام سامنر هستند. مقایسه انسان روابط انسانی با اندام‌های صرف بیولوژیک در قالب فرضیه داروین توسط صاحب‌نظران علوم اجتماعی و انسانی نقد شده است. (پدالله دادگر، نظام سرمایه‌داری از زبان اقتصاددانان سرمایه‌داری، فصلنامه کتاب نقد، ش ۱۱)

لذا اصل رقابت اقتصادی را آن‌هم به شکل داروینیستی به‌عنوان یک اصل مقبول پذیرفتند. شکل داروینیستی یعنی تنازع بقایی، یعنی جائز بودن نزاع و مقابله برای رسیدن به سود و حداکثر امکانات مادی به‌گونه‌ای که حتی رقیبش در حد ورشکستگی و نابودی هم سقوط کند!

کم‌کم اصل عدم‌مداخله هر نهاد دنیوی و دینی از جمله دولت هم در اقتصاد پذیرفته شد. دولت چرا باید در اقتصاد دخالت کند؟ چه حقی دارد امرورنهی کند؟ وقتی آزادی مطلق اقتصادی پذیرفته شد، بدیهی است که مالکیت مطلق اقتصادی فردی مقبول است. دولت کجا جای دارد؟! دولت نباید در اقتصاد جایی داشته باشد؛ بلکه دولت تنها باید موانع سرمایه‌دارها را برای حداکثرسازی سود خودشان بردارد. کار دولت رفع موانع است تا راه برای حداکثرکردن سود و مالکیت صاحبان سرمایه را هموار کند. دولت غیرازاین وظیفه‌ای ندارد.

### بد و خوب کینز

کینز یکی از بزرگ‌ترین اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری است.<sup>۱</sup> آنها می‌گویند بحران‌های ۱۹۲۹ را همین کینز حل کرده است. من در این کتاب *نظام اقتصاد علوی* آوردم که کینز می‌گوید ما باید تا یک صدسال دیگر به مردم بگوییم بد، خوب است و خوب، بد! او تصریح می‌کند، درست هم می‌گوید، چون براساس این تعریفی که ما گفتیم وقتی خاستگاه عرصه اقتصادی، خواهش‌های نفسانی انسان شد باید تعریف خوب را بد، و بد را خوب جلوه دهد. او تصریح می‌کند ایثار، ازخودگذشتگی و قرض بد است و ولع و حرص و طمع و آز و رباخواری خوب. آنها کاملاً براساس آن مبانی هستی‌شناسانه‌ای که عرض کردم به این نتیجه رسیدند و باید هم به این نتیجه می‌رسیدند.<sup>۲</sup>

### نیروی کار

وقتی مالکیت منابع و محصول تولیدی و مدیریت فرآیند اقتصادی برای سرمایه و صاحب‌سرمایه است، نیروی کار تنها از یک دستمزد ثابت حداقلی برخوردار خواهد شد. وقتی که آن اصول و مبانی نظام سرمایه‌داری را پذیرفتیم، نتیجه این شد.

این حالت، معنی‌اش این است که سرمایه و صاحب‌سرمایه هر موقع اراده کند می‌تواند نیروی کار را اخراج و نیروی کار دیگری را استخدام بکند. در دوران رونق اقتصادی، محصول رونق اقتصادی مال کیست؟ مال صاحب‌سرمایه. این یعنی نیروی کار در دوران رونق بازهم از همان دستمزد ثابت حداقلی برخوردار است. این‌را در دوران رکود اقتصادی هم می‌بینیم یعنی اتفاقی که الان در دنیا افتاده است.

۱. برای مطالعه بیشتر: پیتز پاک و کریس گارات، کینز، ترجمه علی معظمی‌جهرمی، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۰.

۲. برای مطالعه بیشتر: بررسی جنبه‌های روش‌شناختی اقتصاد کینز، محمدهاشم پسران، تهران: نشر دیدار، ۱۳۷۶؛ راهنمای نظریه عمومی کینز، آلوین هاروی هانسن، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۴؛ کینز، مایکل استوارت، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.

## آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی برای چه کسی است؟ اینها گفتند همه فعالان اقتصادی حق آزادی اقتصادی دارند. حالا به نظر شما وقتی که ابزار و محصول تولیدی و مدیریت منابع آن محصول تولیدی در اختیار سرمایه و صاحب سرمایه باشد، عملاً آزادی اقتصادی مال کیست؟ مال نیروهای کار است؟ خیر. پس آزادی فقط برای سرمایه و صاحب سرمایه شد و الآن هم در دنیا همین است. نیروهای کار برای ورود حق آزادی ندارد، برای خروج حق آزادی ندارد، برای میزان دستمزد حق آزادی ندارد، برای نحوه مدیریت، حق آزادی ندارند، برای کیفیت تولید، کمیت تولید، حق آزادی ندارد. لذا شعار رقابت اقتصادی هم مال خودشان است نه نیروی کار.

### نفوذ و قدرت صاحبان سرمایه<sup>۱</sup>

۱. مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، دولت محدود و نقش بنیادین بورژوا به عنوان کارآفرین اقتصادی، از نهادهای اصلی نظام سرمایه‌داری است. از قرون ۱۶ تا ۱۸ میلادی که دوران نوپایی سرمایه‌داری بود و نظام سرمایه‌داری تجاری (مرکانتالیسم) در حال شکل‌گیری و تثبیت بوده است، مالکیت‌های بزرگ خصوصی بر زمین و بر ابزار تولید ایجاد شده و مجالس قانون‌گذاری به سنگرهای دارایی تبدیل شده و حقوق مالکیت به نفع سرمایه‌داران بزرگ نهادینه شد. آنگاه که سرمایه‌داری به بلوغ خود رسید و عصر سرمایه‌داری صنعتی لیبرال آغاز شد، بحث آزادی سرمایه و بورژوا، اقتصاد بازار، توزیع درآمد تنها از طریق سیستم بازار و عدم مداخله دولت در امور اقتصادی، مطرح شد. آریلاستر در این باره می‌نویسد: «از پذیرش این اصل کلی که صاحبان دارایی باید حکومت کنند (دوران مرکانتالیستها) تا این استدلال که کارکرد حکومت، حراست از دارایی است (دوران لیبرال‌ها) راه درازی نبود.» (آنتونی آریلاستر، ظهور و سقوط لیبرالیسم، ترجمه: عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۶۷، ص ۲۶۳) بدین ترتیب، یکی از علل مهم طبقاتی شدن جوامع سرمایه‌داری، تحقق می‌یابد و آن، مسئله حمایت کامل دولت‌ها از مالکیت خصوصی بدون قید و شرط، بر ابزار تولید و زمین و انواع دارایی‌ها، و آزادی بورژواها در تولید کالاها و استخدام کارگران و عدم مداخله دولت در تصدی مسائل اقتصادی است. انحصار سرمایه در اختیار افراد معدودی (بورژواها) قرار گرفت و به علت عرضه بی‌شمار نیروی کار بدون دارایی و زمین، «سرمایه» بر «کار» مسلط شد، و انسان‌ها به‌عنوان وسیله‌ای در خدمت تولید و در نتیجه در ردیف سایر عوامل تولید قرار گرفته و مانند ساختمان و زمین و مواد اولیه، از تولید، سهم می‌برند.

محتوای نظام «لیبرال-سرمایه‌داری» بر اساس اصل حرکتی بقای اصلح (تنازع بقا) شکل گرفته است. برای رسیدن به حداکثر «بازده اقتصادی» بایستی تمام موانع از سر راه برداشته شود، لذا رقابت شدیدی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه، ایجاد شده و هرکس قوی‌تر، یا کارآتر یا ثروتمندتر است باقی می‌ماند و مهار اقتصاد را در اختیار می‌گیرد و دیگران بایستی تبعیت کنند و در غیر این صورت، بیکار و فقیر و مفلوک خواهند شد. لسترتارو می‌نویسد:

«اگر نظام سرمایه‌داری، میدان را از رقیبی اجتماعی، خالی ببیند، وسوسه می‌شود که نقص‌ها و نقطه‌ضعف‌های خود را نادیده بگیرد. این وسوسه اکنون خود را در میزان بالای بیکاری در جهان صنعتی نشان می‌دهد. هیچ شگفت‌آور نیست که چون تهدید سوسیالیسم از بین می‌رود، سطح بیکاری قابل تحمل برای مقابله با تورم، افزایش می‌یابد. به سرعت، بر نابرابری ثروت و درآمد، افزوده می‌شود و طبقه کارگر آس‌وپاس [لومپن، کارگر ساده] که دستش به هیچ‌جای نظام اقتصادی بند نیست روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شود. نظام سرمایه‌داری در بدو تولد خود این مسایل را داشت. اینها بخشی از این نظام هستند. همین

صاحبان سرمایه با قدرت سرمایه، قوه مقننه و مجریه و قضاوت و غیره را در اختیار می‌گیرند. اصلاً ذات نظام سرمایه‌داری همین است. شما ببینید مجلس سنای آمریکا با افتخار، همه از سرمایه‌داران آمریکا هستند. رئیس‌جمهورهای آنها هم غالباً این‌گونه‌اند یعنی یا سرمایه‌دار هستند یا تحت اختیار صاحبان سرمایه هستند. اینجا یک نماینده مجلس با اینکه اگر همه سرمایه‌دارها در یک شهری پشت او باشند جرئت نمی‌کند بگوید سرمایه‌دارها پشتوانه و پشتیبان من هستند چون می‌دانند که این قضیه قبح عرفی دارد؛ ولی آنجا با افتخار این را اعلام می‌کنند.

تازه وقتی دولت‌ها دچار مشکل می‌شوند، شعار ریاضت اقتصادی سر می‌دهند. ریاضت اقتصادی برای کیست؟ برای همان نیروهای فعال اقتصادی. با پُرویی هم صراحتاً اعلام می‌کنند مردم باید خویشتن‌داری نشان دهند تا ما از اینها مالیات بیشتری بگیریم. یا مثلاً حقوق را کم می‌کند و عمر بازنشستگی را بالا می‌برد. اصلاً خصلت نظام سرمایه‌داری همین است، ساعت کار را افزایش دادند، خدمات آموزشی را کاهش دادند، خدمات بهداشتی و درمانی را کاهش دادند، بیمه‌های تأمین اجتماعی را تضعیف کردند، مالیات‌ها را افزایش دادند تا بتوانند به سرمایه‌دارها و بانک‌دارها کمک کنند.

پس این سیستم از درون خودش مریض است، فسادزا است، در درون فسادزا است. وقتی که مبانی هستی‌شناسانه‌اش و هستی‌شناختی‌اش بر مبنای کفر و الحاد و انکار ربوبیت خدای متعال بنا نهاده باشد این‌گونه می‌شود. خشت اول گر نهد معمار کج، تا ثریا ساختمان کج می‌رود!

## رقابت

خوب ما آمدیم چکار کردیم؟ نظام اقتصادی با روش امضاء را طرح کردیم. الآن در فقه اصغر ما همین کار را می‌کنیم. می‌گوییم: «پیگیری حداکثرسازی منفعت مادی شخصی در محدوده رعایت واجبات و محرّمات بلاشکال است.» یعنی به لحاظ فقهی، آزادی اقتصادی در محدوده رعایت واجبات و محرّمات مجاز است. اگر این حلال و حرام تعیین و رعایت شود، ما به هدف اسلام نزدیک شده‌ایم. اما اصل رقابت متأسفانه این عناصر را در درون خودش دارد: جایگزینی بدی با خوبی! اصل رقابت اصلاً می‌آید بدی را جایگزین خوبی می‌کند. اصل رقابت در درون و نهاد خودش تهدید دائمی ذاتی دارد. اصل رقابت در درون خودش تولید رفتار *انحصارگرانه* دارد، جایگزینی بدی با خوبی. اگر یک رفتاری چنین اثری داشته باشد دستگاه فقه ما در مورد آن، این اصل رقابت چه می‌گوید؟

خب اصل رقابت ابعاد و اجزای مختلفی دارد و هرکدام از اینها نیازمند به استنباط و اجتهاد است. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید: لا تنافسوا فی عزّ الدنیا و فخرها؛<sup>۱</sup> یعنی در عزت دنیایی و فخر

---

مسائل بود که به پیدایش سوسیالیسم، کمونیسم و نظام تأمین اجتماعی انجامید. (لستر تارو، *آینده سرمایه‌داری*، ترجمه: عزیز کیاوند، نشر دیدار، ۱۳۷۶، ص ۳۳۴)

۱. برای مطالعه بیشتر: مسئله توزیع در نظام سرمایه‌داری، مصطفی احدی، فصلنامه کتاب نقد، ش ۱۱.

دنیایی رقابت نکنید. خب یکی از مصادیق مسلم عزت و فخر دنیایی همین حداکثرکردن سود مادی است. اگر ما بگوییم که لو خلی این روایت با صرف نظر از بقیه (که اگر مقید و مخصص و قرائن دیگری نباشد) ما باید این لا تنافسوا را حمل بر نهی بکنیم. البته با قواعد فقهی دیگر باید روشن کنیم، من نمی‌خواهم بگویم این تمام حرف است، این نیاز به اجتهاد و استنباط دارد.

«مالکیت مطلق اقتصادی در محدوده رعایت واجبات و محرمات صحیح است.» لذا اصل، عدم دخالت دولت در اقتصاد است و ما هم الآن همین را می‌گوییم. الآن در نحوه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی،<sup>۲</sup> چارچوب‌های اجرای سیاست‌ها را اگر درست عمل نکنند دچار تزلزل اقتصادی می‌شویم. لذا اگر در واقع ابعاد قضیه درست دیده شود چه‌بسا حتی در آن سیاست‌های اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ممکن است تغییراتی ایجاد شود.

«انحصار در تولید و فروش در محدوده رعایت واجبات و محرمات صحیح است.» من کارخانه‌دار هستم، ۱۰ نفر دیگر هم هستند، آیا گناه می‌کنم اگر بخواهم قیمت خودم را پایین بیاورم و منافع خودم را حداکثر کنم؟ گرچه نتیجه این کار ممکن است این شود که همه این محصول تولیدی بیاید در اختیار

---

۱. «عِبَادَ اللَّهِ، أَوْصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرْكَهَا، وَ الْمُبْلِيَةِ لِأَجْسَامِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجْدِيدَهَا، فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَسَفَرٍ سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ وَأَمْوًا عَلِمَا فَكَانَتْهُمْ قَدْ بَلَّغُوهُ، وَكَمْ عَسَى الْمُجْرِي إِلَى الْغَايَةِ أَنْ يَجْرِيَ إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا وَمَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءٌ مَنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعُدُّهُ وَ طَالِبٌ حَيْثُ مِنَ الْمَوْتِ يَحْدُوهُ وَ مُزْعِجٌ فِي الدُّنْيَا [عَنِ الدُّنْيَا] حَتَّى يُفَارِقَهَا رَغْمًا. فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فَخْرِهَا وَ لَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَ نَعِيمِهَا وَ لَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَ بُؤْسِهَا، فَإِنَّ عِزَّهَا وَ فَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَ إِنَّ زِينَتَهَا وَ نَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ وَ ضَرَاءَهَا وَ بُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَ كُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى انْتِهَاءٍ وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى فَنَاءٍ.» (نهج البلاغه، خطبه ۹۹)

۲. متن اصل ۴۴ قانون اساسی:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی نیز شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

من قرار بگیرد، هم تولید و عرضه‌اش. وقتی در اختیار من قرار گرفت بعداً چکار می‌کنم؟ مرغ را از کیلوی فلان مبلغ می‌برم به کیلویی فلان مبلغ! حالا انحصار ممکن است فردی یا جمعی باشد.

## نقد و بررسی

### آیا مردم‌سالاری اقتصادی هم داریم؟<sup>۱</sup>

ما مدعی هستیم که مردم‌سالاری دینی به معنای واقعی در دنیا اگر یک نظام مردم‌سالاری وجود دارد، آن هم نظام جمهوری اسلامی ایران است. تمام دنیا همه در خدمت سرمایه و صاحب سرمایه هستند و اصلاً مردم‌سالاری معنا ندارد، ۹۹ درصدی می‌آیند ولی سرمایه‌دارها دوباره اینها را به سمت خودشان می‌گیرند؛ چون اصلاً قانون در اختیارشان نیست، قانون‌گذاران هم همراهشان نیستند.

به لحاظ تئوری یعنی قانون اساسی، نظری، به معنای واقعی تا یک حدی مخصوصاً در سال‌های اول انقلاب، دهه اول انقلاب در انتخابات و اینها، به معنای واقعی مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی وجود داشت و اکنون هم دارد.

سؤال می‌کنم، آیا ممکن است مردم‌سالاری سیاسی دینی با سرمایه‌سالاری اقتصادی ما را به اهدافمان برساند و عدالت را در جامعه‌مان پیاده کند؟

ببینید مشکل کجاست؟ من نمی‌خواهم قضاوت نهایی را الآن بگویم. دستگاه فقه ما باید بیاید این را بررسی کند. ما مردم‌سالاری دینی در عرصه سیاسی داریم، آیا در عرصه اقتصادی هم مردم‌سالاری اقتصادی داریم؟ من معتقدم مردم‌سالاری اقتصادی نداریم. یعنی دستگاه فقه ما باید اساساً بیاید موضوع‌شناسی را انجام دهد. حالا اگر مردم‌سالاری اقتصادی نداریم، آیا مردم‌سالاری سیاسی دینی در کنار سرمایه‌سالاری اقتصادی، می‌تواند نظام را به اهدافش برساند؟ دستگاه فقه ما باید جواب دهد! اگر نمی‌تواند جواب دهد مردم‌سالاری اقتصادی چه ویژگی‌هایی دارد که بیاید در کنار مردم‌سالاری سیاسی دینی نظام ما را به هدفشان برساند؟

انسان خلیفه الهی است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»<sup>۲</sup> همه‌چیز برای انسان است، انسانی که خلیفه الهی و اشرف مخلوقات است. اصلاً بیان این آیات به گونه‌ای است که هیچ‌کس نیامده تخصیص بزند که مثلاً این خلیفه الهی بودن فقط در عرصه عرفانی و اخلاقی است؛ بلکه انسان در عرصه سیاسی و اقتصادی هم می‌تواند خلیفه الهی باشد.

اگر بگوییم در عرصه اقتصادی اکثر انسان‌ها نباید فعالیت اقتصادی داشته باشند، رقابت اقتصادی نداشته باشند، از یک دستمزد حداقلی برخوردار باشند، مدیریت اقتصادی نداشته باشند، مالکیت اقتصادی هم نداشته باشند، با این قرائت عجب خلیفه الهی‌ای شد!

۱. برای مطالعه بیشتر: الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی، احمدعلی یوسفی، اقتصاد اسلامی، دوره ۱۲،

ش ۴۸، زمستان ۱۳۹۱، ص ۵۳-۷۶.

۲. بقره: ۲۹.



ما وقتی در عرصه اقتصادی می‌آییم اصلاً اکثر انسان‌ها را فراموش می‌کنیم که آنها همان خلیفه الهی و اشرف مخلوقات هستند! گاهی من صبح‌ها موقع رفتن به کتابخانه می‌بینم که در سر میدان‌ها هزاران نفر دنبال کار هستند که شب یک‌لقمه‌نان به منزل ببرند. بسیاری از اینها ساعت ده یازده که می‌شود کار گیرشان نمی‌آید و دست‌خالی بلند می‌شوند می‌روند، بعد می‌روند به سیگارفروشی یا برخی کارهای دیگر.

### ترفیع انسان

آیا این سیستمی که ما داریم و نظامی که ما داریم دارد جواب می‌دهد؟! جایگاه انسان یعنی فعالان واقعی اقتصادی، باید در مقابل سرمایه ترفیع پیدا کند نه برعکس، الآن برعکس شده است. یعنی سرمایه و صاحب سرمایه ترفیع پیدا می‌کند؛ اما فعالان حقیقی دارند تنزل پیدا می‌کنند. البته ممکن است شما بگویید یک تقصیرهایی هم خودشان دارند ولی نظام و دستگاه فقه ما باید بیاید براساس مبانی فقهی و براساس آموزه‌های اسلامی بازنگری در طراحی نظام اقتصادی و اجرا داشته باشد تا مجموعه را و درواقع نظام ما را به سمت اهدافش ببرد. شما با توجه به این تورمی که هست می‌دانید که خاصیت این تورم چیست؟ این است که طبقات متوسط را به طبقات فقیر می‌ریزد نه اینکه طبقات متوسط را بالا ببرد. اصلاً تورم ویژگی‌اش همین است و بدترین نوع سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های تورم‌زا است.

### عدم دستیابی فعالان اقتصادی به اهداف اقتصادی

اشکال بعدی، عدم دستیابی فعالان اقتصادی به اهداف اقتصادی خود است. ببینید سه دسته فعال اقتصادی ما در جامعه داریم. یعنی سه نوع فعالیت اقتصادی از سه گروه داریم: صاحب سرمایه، صاحب نیروی کار و خریداران کالا یا مصرف‌کنندگان.

صاحب سرمایه با سرمایه خودش می‌خواهد چکار کند؟ سود خودش را حداکثر بکند، نیروی کار با ارائه نیروی کار خودش می‌خواهد دستمزد خودش را حداکثر بکند، تقاضاکننده و مصرف‌کننده با یک بودجه محدود ماهانه حالا شهریه یا درآمد یا حقوق می‌خواهد مطلوبیت خودش را از مصرف کالا و خدمات بیشتر بکند. بین دو دسته دوم یعنی نیروی کار و مصرف‌کننده از یک طرف، و سرمایه‌دار از طرف دیگر نزاع است، چرا؟ چون اگر سرمایه‌دار بخواهد سود خودش را حداکثر بکند به ناچار باید هزینه‌های خودش را کم کند، بخش عمده هزینه‌ها چیست؟ دستمزد است پس در یک کارخانه نزاع بین سرمایه‌دار، صاحب سرمایه و کارگر دائمی است و آنها دائماً با هم در حال جنگ هستند. شما وقتی در یک اداره یا کارخانه‌ای می‌روید همیشه می‌نالند، آقا حقوق من کم است، دستمزد من کم است.

صاحب سرمایه هم تلاش می‌کند که حقوق‌ها را تا جایی که می‌تواند قانونی و خیلی مواقع هم غیرقانونی به حداقل برساند تا سود خودش را به حداکثر برساند.

یعنی این سه دسته برای رسیدن به اهداف خودشان در چنین نظامی دائماً در حال نزاع با هم هستند. آیا نظام اقتصادی می‌شود به گونه‌ای طراحی و اجرا بشود که همه این سه دسته فعالان اقتصادی

به اهداف خودشان برسند و آن نزاع برطرف بشود یا نه؟ و آن نظام اقتصادی هم به تأیید دستگاه فقه ما هم برسد، می‌شود یا نه؟ در ادامه این را ان‌شاءالله خدمتتان عرض می‌کنم.

همیشه بین گروه اول با دو گروه دیگر، نزاع برای رسیدن به هدف وجود دارد. یقیناً این نزاع آثار و پیامدهای فرهنگی و غیرفرهنگی - البته پیامدهای منفی - و الی آخر به دنبال دارد و از منظر اسلام آن آثار اصلاً مطلوب نیست.

در یک کارخانه اگر کارخانه الآن دچار رکود شود کارگر چکار می‌کند؟ غم سرمایه‌دار را می‌خورد؟ برعکس اگر کارخانه سهم خود کارگر هم باشد کارگر چکار می‌کند؟ سهم واقعی او باشد، کارگر می‌گوید من چرا باید روی حقوق یک میلیونی چانه بزنم، ما حقوقمان را هشت صد تومان می‌آوریم، کار را به جای هشت ساعت، ده ساعت می‌بریم تا این جایی که زندگی ما وابسته به این است حفظش کنیم. ولی در دوران رکود، صاحب سرمایه هم کم می‌آورد، از آن نزاع بین کارگر و کارفرما و صاحب سرمایه اوضاع اقتصادی و رکود اقتصادی را تشدید می‌کند.

لذا نظام اقتصادی اسلام باید به گونه‌ای طراحی شود تا این نزاع برطرف شود و اهداف هر سه گروه حتی المقدور برآورده شود. البته اینکه من تعبیر حتی المقدور را آوردم چون ما نمی‌توانیم آن بخش خصوصی سرمایه‌داری را که براساس موازین فقهی روش امضاء صحیح است، بگوییم نباشد! نه، آنها هم حق آزادی دارند و براساس آزادی خودشان باید فعالیت بکنند منتها باید رویکرد نظام ما به چه سمت و سویی باشد، آن مسئله مهم است.

### عدم امکان رقابت بین فعالان اقتصادی (رانت اطلاعاتی)<sup>۱</sup>

امروزه اطلاعات جزو مرغوب‌ترین کالاها است، یک تصمیمی را دولت می‌خواهد بگیرد، پیشاپیش کسانی از تصمیم دولت بهره‌مند می‌شوند که رانت اطلاعاتی دارند. یک تصمیمی را که شهرداری مشهد در مورد یک نقطه شهر می‌گیرد، اگر پیشاپیش کسانی بهره‌مند شوند و بروند بخش عظیمی از آن منطقه زمین را خریداری بکنند، این دور از انصاف است.

لذا اطلاعات، مرغوب‌ترین و پرقیمت‌ترین کالاها به لحاظ اقتصادی و به لحاظ، تغذیه، بهداشت و سلامت، به لحاظ امکانات اقتصادی، آموزشی و پژوهشی است.

فرض کنیم بنده بچه‌روستایی اصلاً امکان آموزشی که در شهرهای بزرگی (مثل تهران و مشهد و اصفهان و غیره) وجود دارد برای من به وجود نیامده است. حالا بیایم از رقابت اقتصادی بگوییم! اصلاً بین کسانی که چندین دهه از این امکانات به‌نحو کامل استفاده کرده‌اند و فربه شده‌اند، با کسانی که از

---

۱. برای مطالعه بیشتر: تحلیل و مفهوم‌سازی نظری تأثیرات دولت رانتی بر عاملیت و ساختار جامعه و اقتصاد شهری در ایران، محمدحسین شریف‌زادگان و حسین قانونی، گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

این امکانات بهره‌ای نبرده‌اند رقابت معنایی ندارد و رقابت یک حق برای تمام فعالان اقتصادی است و آن‌هم از نوع رقابت مسئولانه. منتها ما باید بستر این حق را علی‌السویه فراهم کنیم. لذا اگر رقابت اقتصادی برای همه فراهم نباشد پس ما زمینه بهره‌برداری از این حق را (تازه اگر قائل باشیم یک حق است) برای همه فراهم نکرده‌ایم! نظام ما در طراحی و در اجرا، دستگاه فقه ما باید تلاش بکند این نظام را به‌گونه‌ای طراحی و اجرا بکند که اگر این حق است همه از آن بهره ببرند. ما می‌توانیم مدل‌هایی ارائه دهیم که کارگر هم از همه اینها بهره‌مند بشوند البته من تعبیرم از کارگر، نیروهای فعال اقتصادی است.<sup>۱</sup>

### عدم تحقق عدالت اقتصادی

ما در طول سال‌های گذشته مشکلات اقتصادی را دیدیم. بله ما می‌گوییم صادرات ما این‌گونه شد و تولیدات و معادن ما این‌گونه شد و غیره، اما چه کسی از این نعمت‌ها بهره‌مند شد؟ فقر چه شد؟ ما باید فقر را با اقتصاد صدقه‌ای رفع بکنیم؟! فقر را باید به‌صورت کمیته/مدادی برطرف کنیم که عزت و کرامت انسان‌ها مورد خطر قرار بگیرد؟! یا فقر به‌نحوی که همراه حفظ کرامت انسانی باشد باید برطرف شود؟ چرا بعضی‌ها با این همه منابع در کشور ما نباید حق مالکیت داشته باشند؟

نتیجه این روش ما را به اینجا نمی‌رساند که مشکلات اقتصادی خود را حل کنیم. و در طول این سال‌ها انصافاً مسئولین صادقانه زحمت کشیدند، منتها در درون همین نظام اقتصادی بوده است. خب آخرین اقدام خیرخواهانه، هدفمندی یارانه‌ها بوده و انصافاً به بهترین روش هم اجرا شده است؛ اما روشی که در واقع حجم پول را افزایش داده است، روشی که تورم‌زا بوده گرچه در اجرا از بسیاری از تنش‌ها و آثار منفی سیاسی اجتماعی جلوگیری شده است و مسئولین نگران بودند که با این کار بحران اجتماعی پیش آید؛ اما نظام به‌گونه‌ای است که بخشی از این در کنار ایجاد تورم آمد.

### فسادزاد بودن سیستم اقتصادی

همیشه سرمایه‌سالاری اقتصادی سیری‌ناپذیر است. وقتی که شما اصل را حداکثر کردن سود مادی شخصی بدانید، به‌طور طبیعی صفت حرص و طمع و آز در انسان بالا می‌رود. این امر باعث سیری‌ناپذیری انسان می‌شود و این ویژگی سیری‌ناپذیری و حرص و طمع وقتی بیاید، کاری می‌کند که از تمام مجاری قانونی سوءاستفاده کند؛ بلکه اگر دستش برسد قانون هم به نفع خودش وضع کند. سیستم وقتی براساس حرص و طمع نهاده شده است، وقتی شما مفسد اقتصادی را اعدام هم بکنید باز هم فایده‌ای ندارد و حرص و طمع انسان را از آخرت غافل می‌کند، وقتی از آخرت غافل شد دوباره راه به‌جای دیگر پیدا می‌کند و از اختلاس سر درمی‌آورد.

---

۱. برای مطالعه بیشتر: «عدم تقارن اطلاعات منبع رانت»، احمد میری، پژوهشگاه راهبرد، ۱۳۷۳، ش ۴.

## مدل اقتصادی مردم‌سالاری عدالت‌مدار

تا اینجا روش *امضا* در طراحی فقه بود و این بحثی که ما در ادامه ارائه می‌دهیم، مدل‌های عدالت‌محور یا مدلی است که بتواند در مؤلفه‌های عدالت به‌عنوان عوامل درون‌زا در سیستم عمل بکند، نه اینکه بخواهیم از بیرون با هزینه‌های زیاد و نظارت پرهزینه، عناصر و مؤلفه‌های عدالت را بالا ببریم. معنای خود *عدالت* خیلی گسترده است و اساساً نظامات اقتصادی مختلف، برای آن معنای متناسب با شیوه خود را در پیش گرفته‌اند. بنده معتقدم در روایات ما هم فراوان تعاریف مختلفی داریم و همه تعاریف برمی‌گردد به این تعریف که عدالت یعنی: اعطاء کل ذی‌حق حقه.

البته این هم معنای گسترده‌ای دارد و همه نظام‌های اقتصادی دنیا از جمله نظام کمونیستی و نظام سرمایه‌داری هم این معنا را قبول دارند و ما هم این را قبول داریم که هرکسی براساس رقابت و سیستم آزادی مطلق و حداکثرکردن سود مادی شخصی بخواهد کسب مال بکند، حق او می‌شود. پس ما باید رفع موانع بکنیم تا آن شخص به حق خودش برسد.

تعریفی که به اصطلاح از قسط در آیه قرآن آمده است همین عبارتی است که در معنای عدالت گفته شد. معمولاً این تعریف را می‌کنند که همه انسان‌ها حق بهره‌مندی از نعمت‌های الهی را به‌صورت بالقوه دارند:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمٌ»<sup>۱</sup>، این ضمیر در *خَلَقَ لَكُمْ* که تخصیص نخورده یعنی همه شما انسان‌ها را شامل می‌شود.

و در «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»<sup>۲</sup> این عبارت نیز عام است و همه جنبندگان را شامل می‌شود. پس این آیات نسبت به حق بالقوه تخصیص نخورده است.

حال این حق بالقوه انسان‌ها چگونه بالفعل می‌شود؟ با دو معیار بالفعل می‌شود: یکی کار و دیگری نیاز. نیاز نسبت به کسانی که توان کار ندارند، یا توان کار دارند اما به‌حسب توان خودشان فعالیت می‌کنند، نسبت به هزینه‌های خود و متعارف واجب النفقة خود درآمد کافی ندارند، نیاز حق بهره‌مندی بالفعل آنها خواهد شد.

فرض کنید کسانی که ناتوان جسمی هستند و قادر به فعالیت جسمی نیستند خب این افراد وقتی که نمی‌توانند درآمد کافی داشته باشند و یا اصلاً درآمد کافی داشته باشند، اغنیا باید آنها را تأمین بکنند.

۱. بقره: ۲۹.

۲. هود: ۶.

## مؤلفه‌های پایدار عدالت اقتصادی<sup>۱</sup>

عدالت اقتصادی اگر بخواهد در جامعه‌ای اتفاق بیفتد، دارای این مؤلفه‌ها باید باشد.

اول؛ درآمد و مصرف در حد کفاف برای همه مردم یا به تعبیر دیگر رفع فقر مطلق و نسبی از همه مردم بشود. «لو عدل بین الناس لاستغنوا»<sup>۲</sup> اگر بین مردم به عدالت رفتار شود مردم بی‌نیاز خواهند شد؛ یعنی نیازهای متعارف آنها برآورده می‌شود، نیازهای متعارف برآورده شود یعنی فقر مطلق و نسبی در جامعه وجود ندارد. حالا نیاز ضروری چیست؟ نیاز متعارف چیست؟ فقر مطلق چیست؟ فقر نسبی چیست؟ حد کفاف چیست؟

نیازهای ضروری نیازهای حیاتی است، یعنی نیازهایی که اگر برطرف نشود حیات او در خطر قرار می‌گیرد؛ مانند غذا در حد حیات، پوشاک در حدی که او را از سرما و گرما حفظ بکند، دارو در حدی که اگر در جامعه موجود باشد به دارو نیاز دارد و در حدی که او را از مرگ نجات دهد، مسکن در حدی که او را از سرما و گرما حفظ کند که این موارد نیازهای حیاتی هستند.

نیازهای حیاتی برای همه مردم، بر اغنیا و بر دولت واجب است و فقهای شیعه و اهل سنت فتوا داده‌اند تا زمانی که نیازهای حیاتی در جامعه موجود باشد، مالکیت خصوصی دیگران محترم شمرده نمی‌شود. یعنی اگر کسی غذا نیاز دارد برای خود و برای افراد واجب‌النفعه خودش که از مرگ نجاتشان بدهد، اگر بیاید بیخ گلوی شخص چاقو بگذارد و بگوید هرچه در جیب داری بیرون بیاور، حق دارد که چنین کاری کند! اینکه می‌گویند حرمت مال مردم، مثل حرمت خون مردم و ناموس مردم است، این در جایی است که نیاز، یک نیاز حیاتی باشد. خوب اگر این اتفاق بیفتد ما به این می‌گوییم فقر مطلق، فقری که مردم در آن نیازهای حیاتی‌شان برآورده نشده است.

از این حالت تا یک حدی بالاتر را فقر نسبی می‌گویند که شامل نیازهای متعارف است. این بر اغنیا واجب است که از طریق واجبات مالی تأمین شود. اینجا بر حاکمیت اسلامی واجب است به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که نیازهای متعارف افراد برطرف شود. فرض کنید کسی درآمد دارد و

---

۱. برای مطالعه بیشتر: احمدعلی یوسفی و سعید فراهانی‌فرد و علیرضا لشکری، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸؛ معصومه آقاجانی و زهرا خیری‌دوست، توسعه پایدار در کنار عدالت و اخلاق در اقتصاد اسلامی، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۳۹۴؛ سعید فراهانی‌فرد، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱؛ شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام، ولی‌الله نقی‌پورفر و محمدرضا احمدی، نشریه اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۸۷، دوره ۸، ش ۳۱، ص ۶۹-۱۰۱؛ درآمدی بر مفهوم «عدالت اقتصادی» و شاخص‌های آن، سید محمدکاظم رجایی و سید مهدی معلمی، معرفت اقتصادی، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ش ۲؛ مفهوم و شاخص «عدالت اقتصادی»، سید محمدکاظم رجایی، معرفت اقتصاد اسلامی، سال پنجم، زمستان ۱۳۹۲، ش ۱.

۲. فرمایش امام علی (علیه‌السلام) است. برادران حکیمی، الحیاة، ج ۶، ص ۴۰۰.

می‌تواند با درآمد خودش اجاره دهد و زندگی بکند و این‌گونه هم نیست که حتماً باید مسکن شخصی داشته باشد و اگر نداشت باشد قبح عرفی برای او محسوب می‌شود.

### تساوی در بهره‌مندی از فرصت‌ها

یکی از مؤلفه‌های عدالت، تساوی در بهره‌مندی از فرصت‌ها است. مرادم فرصت‌های اقتصادی، فرصت دستیابی به شغل، تسهیلات اقتصادی و وام و امثال اینها است. اگر فرصت‌های دستیابی به شغل برای بیکاران به‌نحو مساوی برقرار بود، عدالت در این جامعه برقرار است؛ اما اگر بعضی‌ها با روش‌های غیرعادلانه به شغل برسند درحالی‌که افراد شایسته‌تر از آنها وجود داشته باشد، در چنین نظامی عدالت وجود ندارد. یعنی عدالت رعایت نشده است، شما الان می‌بینید در خود کشور ما به صاحبان بنگاه‌های اقتصادی، به راحتی وام‌های بزرگ می‌دهند؛ اما در درون همان بنگاه‌های اقتصادی یک مهندس متخصص نیاز به ۳۰ میلیون تومان وام داشته باشد که جزء نیازهای متعارف اوست. حال اگر وام را گرفت و بعد در بازپرداخت آن با مشکل مواجه شد، آیا می‌بخشند؟ چطور صاحبان بنگاه‌های اقتصادی را تا ۵ هزار میلیارد تومان می‌بخشید اما همان نیروهای متخصص که در همان واحد تولیدی اگر کار بکنند و وامشان تأخیر بیفتد، چه عکس‌العملی دارید؟

### فرصت‌های برابر آموزشی و پژوهشی

بهترین مدرسه‌ها در طول چندین دهه در تهران وجود داشت مانند دبیرستان‌های البرز و مانند آن، که ده‌ها سال از بهترین منابع ملی برای بهترین امکانات آموزشی استفاده کردند و الان در بسیاری از دانشگاه‌ها از بهترین امکانات آموزشی و پژوهشی استفاده می‌کنند و در دانشگاه‌ها دیگر و سایر مراکز محروم هستند و در بسیاری از روستاها نیز چنین است. بعد می‌بینید که افراد متخصص از یک‌جای خاصی در می‌آیند! بعد این افراد و این امکانات دائماً سرمایه‌های مختلف جذب می‌کنند، بعد این شخص فربه می‌شود ولی یک بچه‌روستایی که از حداقل امکانات آموزشی بهره‌مند نبوده باید فقط تماشاچی باشد.

### فرصت‌های تغذیه‌ای و بهداشتی

بهترین بیمارستان‌ها و بهترین پزشک‌ها و بهترین امکانات فقط در چند جای مخصوص است و در چند شهر و استان قرار دارد که وقتی این تمرکز پیش بیاید و یا افراد خاصی بتوانند از این امکانات استفاده بکنند به‌لحاظ بهداشتی و سلامتی و به‌لحاظ فکری، قدرت فکری و توانایی فکری در یک سطح بالاتری قرار می‌گیرند. بعد سرمایه‌ها کلاً به سمت این دسته می‌رود. واقعاً اینجاها خیلی سخت است که امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «فالحق اوسع الاشياء فی التواصف»؛ یعنی حق، وسیع‌ترین و گسترده‌ترین چیزها در توصیف و بیان است و همه از آن خوششان می‌آید، چقدر زیباست و عالی است ولی «و اضيقها فی التناصف»<sup>۱</sup> یعنی در مقام اجرا و انصاف بسیار سخت است.

۱. خطبه ۲۱۶.

این عبارت به این معنا است که فرصت‌ها باید مساوی باشد و اگر این فرصت‌ها را شما در جامعه و در بهره‌مندی از فرصت‌ها برابر کردید آیا بعداً همه به یک میزان درآمد پیدا خواهند کرد؟ نه این طور نیست. افراد براساس همت و تلاش خودشان و براساس توان فکری ذاتی و خدادادی خود، هر مقدار بتوانند از این فرصت‌ها استفاده بکنند عادلانه خواهد شد.

### مدل‌های پیشنهادی برای تحقق عدالت

من برای تحقق عدالت پنج مدل معرفی می‌کنم. ما دو مؤلفه گفتیم که اگر این مؤلفه‌های به‌نحو پایدار در جامعه تحقق پیدا کرد، آن جامعه یک جامعه عدالت‌محور به‌نحو پایدار خواهد بود. من این مدل‌های اقتصادی را توضیح می‌دهم و البته در ناحیه اجرا لزوماً این طور نیست که حتماً یکی باید اجرا شود و ممکن است هر پنج مدل اجرا شود. منتها مسئله این است که دستگاه فقه ما کدام مدل را به‌لحاظ فقهی باید به نظام بگوید که آن را در اولویت قرار دهد و منابع به‌سمت آن مدل سوق پیدا کند.

### مدل اقتصاد تعاونی تملیکی<sup>۱</sup>

ما در قانون اساسی سه بخش داریم، در اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، اقتصاد ما به چند بخش تقسیم شده است: یکی دولتی، دیگری تعاونی و بعد خصوصی. درباره بخش خصوصی و دولتی

---

۱. برای مطالعه بیشتر: تحلیل اقتصادی - فقهی انتقال سود خالص از سرمایه به نیروی کار، احمدعلی یوسفی، اقتصاد اسلامی، دوره ۱۴، ش ۵۵، ص ۱۲۱-۱۴۶.

۲. اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به‌صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور، افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶. منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

کارهای بسیار گسترده‌ای انجام شده است؛ اما بخش تعاون جز یک‌سری مقالات علمی که بنده نوشتم چیز دیگری نیست!

بازنگری قانون تعاون را به من دادند تا نظر بدهم. من گفتم این اصلاً بازنگری نیست، به‌رحال آن را به من دادند که بازنگری کنم. بنده یک فصل را بازنگری کردم و گفتم قانون باید به این‌نحو تغییر پیدا بکند. اولاً اشکالات را گفتم و بعد اصلاحیه دادم و بعد برای اصلاحیه‌ها، پیوست‌های علمی دادم. خود قانون تعاون یک جزوه کوچک حاوی ۶۰، ۷۰ ماده است که پیوست‌های علمی‌اش نزدیک به ۱۰۰۰ صفحه است. برای هر تغییری استدلال علمی براساس موازین اسلامی و آموزه‌های اسلامی ارائه دادم. البته این برنامه من هست و تا حال یک فصل را ارائه دادم، غرض از این سخنان این بود که در *اقتصاد تعاون* کار جدی صورت نگرفته است.

در کارهایی که انجام دادم به سه مدل تعاونی رسیدم، البته مدل‌های تعاونی که اجرا می‌شود یا تعاونی‌های کاذب یا شبه‌تعاونی و یا تعاونی‌های واقعی هستند. ما تقریباً تعاونی واقعی در جمهوری اسلامی ایران نداریم و اگر به‌لحاظ قانونی داشته باشیم ولی به‌لحاظ واقعی نداریم و تعاونی‌های ما به سمت بخش خصوصی سرمایه‌داری سوق پیدا کرده‌اند؛ درحالی‌که به‌لحاظ نظری و آموزه‌های اسلامی باید کاملاً متمایز از هم باشند.

این مدلی که من عرض می‌کنم، مدل اول و دوم، مدل تعاونی واقعی هستند؛ اما مدل اقتصاد تعاونی تلفیقی یعنی چه؟ عرض کردم فعالان اقتصادی سه گروه هستند:

صاحبان سرمایه، صاحبان نیروی کار و کسانی که تقاضای خرید یا همان مصرف‌کننده هستند. گفتیم اهداف اینها با هم تفاوت دارند. صاحبان سرمایه به‌دنبال حداکثرکردن سود مادی خودشان هستند یعنی سرمایه خود را می‌خواهند افزایش دهند و اگر در چارچوب فعالیت‌های مشروع باشد اشکالی هم ندارد و صاحبان نیروی کار می‌خواهند دستمزدهای خود را به نقطه مطلوب برسانند و مصرف‌کننده‌ها و تقاضاکننده‌های کالا هم می‌خواهند با درآمد محدود حداکثر نیازهای خود را برطرف کنند و ما خود که مصرف‌کننده‌ایم همین کار را می‌کنیم، برای خرید دنبال کمترین قیمت‌ها هستیم با بیشترین کیفیت، چون یک بودجه محدود داریم که با این بودجه محدود می‌خواهیم بیشترین نیازهای خود را برطرف کنیم.

خوب مدل اقتصاد تعاونی این سه هدف را تلفیق می‌کند. یعنی هم هدف صاحب سرمایه و هم هدف نیروی کار و هم هدف مصرف‌کننده در این مدل تأمین می‌شود. در این مدل هر نیروی کاری صاحب سرمایه هست و صاحب سرمایه نیروی کار هم هست و هر نیروی کار مصرف‌کننده هست و هر مصرف‌کننده، صاحب سرمایه است. لذا در اینجا نزاعی اتفاق نخواهد افتاد.

---

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.



در آن مدل بخش خصوصی سرمایه‌داری بین صاحبان سرمایه و دو گروه دیگر در رسیدن به هدف نزاع دائمی وجود داشت؛ چون نیروی کار می‌خواهد دستمزد خود را حداکثر بکند و صاحب سرمایه هم می‌خواهد سود خود را حداکثر بکند و حداکثر کردن سرمایه و سود نزاع ایجاد می‌کند، حداکثر کردن رفع نیازهای مصرف‌کننده با حداکثر کردن سود صاحب سرمایه مورد نزاع واقع می‌شود.

اما در این مدل چنین نزاعی مرتفع می‌شود. صاحب سرمایه در مدل بخش خصوصی سرمایه‌داری، مالک منابع، محصول تولیدی و مدیر فرآیند اقتصادی است، در این مدل صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده هر سه، هم مالک منابع و هم محصول تولیدی و هم مدیر فرآیند اقتصادی است.

در این مدل، مؤلفه‌های عدالت به‌نحو پایدار محقق خواهد شد و عدالت در این مدل به‌نحو پایدار خواهد بود. در این مدل همه از فرصت‌های مساوی برخوردار هستند، یعنی در واقع هم افراد در حد کفاف درآمد دارند و هم از فرصت‌ها در توانمندسازی خود به‌نحو مساوی استفاده می‌کنند؛ اعم از فرصت‌های اقتصادی، آموزشی و اطلاعاتی و تغذیه و بهداشت به‌نحو مساوی استفاده می‌کنند. و نظام دائماً باید همه مردم را در عرصه اقتصادی توانمند بسازد و توانمندسازی همه اینها باید عادلانه صورت بگیرد و زمانی به نحو عادلانه صورت خواهد گرفت که آن دو مؤلفه عدالت اقتصادی در جامعه محقق شود که این مدل این کار را انجام می‌دهد.

اما به‌لحاظ اجرایی، مرحله اول عبارت است از: راه‌اندازی شرکت‌های تعاونی مصرف با این ویژگی که عرض کردم.

در مرحله دوم خود تجمیع این مازادها، کالاهایی که تعاونی‌ها، اعضایشان نیاز دارند خود شرکت تعاونی اقدام به تولید این کالاها می‌کند، یخچال باشد، ماشین لباس‌شویی باشد، انواع کالاهای مصرفی باشد، از رب گوجه گرفته تا چیزهای دیگر. تعاونی از ظرفیت اعضای خودش که تعدادشان زیاد هم هست استفاده می‌کند. البته این کار، نحوه مدیریتی خاصی دارد که هدف من هم از بیان اینها این است که این مطالب باید تحلیل فکری شود و دستگاه فقه باید برای این مسایل چاره‌اندیشی کند و باید دید این روش‌ها براساس ضوابط فقه درست هست یا نه و براساس تحلیل فقهی می‌توانیم اثبات کنیم که این مدل صحیح است یا نه. به نظر بنده این کار شدنی است و در کارهایی که خودم انجام دادم به مشکل فقهی برخورددم، گرچه هنوز به مرحله ارزیابی نرسیده است ولی بعید می‌دانم با مشکل فقهی خاصی مواجه بشویم.

در مرحله دوم وارد تولید می‌شویم. یعنی واحدهای تولیدی را خود اعضا تأسیس می‌کنند. یعنی از انواع تخصص‌های همین اعضا در واحد تولیدی استفاده می‌شود و کالاها را خودشان تولید می‌کنند. شما وقتی می‌روید از یک تولیدکننده خارج از تعاونی می‌خرید، درحقیقت آن تولیدکننده سود می‌برد؛ ولی آن سود الان می‌آید برای اعضای خود تعاونی که در واحدهای تولیدی خود دارند کار می‌کنند، بکار گرفته می‌شود. پس افراد آمدند با یک سهم حداقلی سرمایه‌گذاری کردند و از مازادهای سود سالانه بر اثر گسترش اعضا بهره‌مند می‌شوند.

## مدل اقتصاد تعاونی تولیدی

مدل بعدی، مدل اقتصاد تعاونی تولیدی است. آنچه ما تا به حال عرض کردیم مدل تلفیقی بود که در آن هر سه گروه به اهداف خود می‌رسیدند؛ اما در مدل اقتصاد تعاونی دو گروه به هدفش می‌رسد، یکی صاحب سرمایه و دیگری نیروی کار.

یعنی الآن افرادی که دارای تخصص‌های مختلفی هستند، از کارگر ساده گرفته تا تخصص‌های مختلف می‌آیند با هم با یک سرمایه مشخصی کار می‌کنند. البته یک فرضش این است که آورده همه مساوی باشد. فرض کنید افرادی هستند در حد لیسانس، فوق‌لیسانس، دکتری که در رشته‌های مختلف تحصیل کرده‌اند. اینها می‌آیند با هم واحد تولیدی را راه‌اندازی می‌کنند، مثلاً واحدی به نام واحد تولید تلویزیون‌های ال‌سی‌دی.

خوب تخصص‌های مختلفی در اینجا نیاز است که از کارگر ساده و نگهبانی دم در گرفته تا سایر متخصصان که در این واحد هستند. همه اینها می‌آیند در این واحد تولیدی سرمایه‌گذاری می‌کنند. پس یک فرض آن این است که همه آورده مساوی داشته باشند، مثلاً همه یک میلیون تومان به‌عنوان آورده اقتصادی بیاورند و سرمایه‌گذاری کنند. البته فرض‌های دیگر نیز امکان دارد مانند اینکه سرمایه‌ها به‌صورت یکسان نباشد که بحث‌های خاص به خود را دارد که من یک فرض آن را ذکر می‌کنم.

خب، واحد تولیدی را برای حداکثرکردن سود خود در چهارچوب موازین شرعی راه‌اندازی می‌کنند. پس هر نیروی کار در اینجا صاحب سرمایه هم هست و براساس میزان سرمایه خودش سودی می‌برد. یعنی تعریف می‌کند که هر واحد سرمایه مثلاً پنج درصد سود خواهد برد. بعد هر کدام به‌اندازه تخصص خود حقوق می‌گیرند و کالا تولید می‌کنند و در بازار آزاد عرضه می‌کنند و به قیمت بازار می‌فروشند. هزینه‌ها را که می‌دهند و سود سرمایه را هم می‌دهند و دستمزدها را هم می‌دهند که باز هم ممکن است یک چیزی زیاد بیاید که به این باقیمانده *مازاد برگشتی* می‌گویند.

در این واحدهای تولیدی بحث‌های زیادی وجود دارد که این *مازاد برگشتی* را چه کار بکنند؟ بنده براساس دلایل و آموزه‌های اسلامی به این نتیجه رسیدم که این مازاد به نیروهای کار براساس میزان نقش و تأثیری که در تولید داشتند پرداخت بشود نه براساس سرمایه. این کار باعث می‌شود که تولید در کشور رشد و توسعه پیدا بکند.

خوب مزیت این نوع تعاونی نسبت به مدل تلفیقی در پایداری عناصر و مؤلفه‌های عدالت کمتر است؛ اما نسبت به تحقق مؤلفه‌های عدالت در بخش خصوصی سرمایه‌داری قطعاً بیشتر است؛ چون اصلاً مهمترین نزاع که بین صاحب سرمایه و نیروی کار وجود داشت در اینجا وجود نخواهد داشت. در دوران رونق که تولید زیاد است و قیمت تولیدات می‌رود بالا و بهره‌مندی زیاد است. در این چنین واحدهای تولیدی، محصول رونق نصیب همه می‌شود.

## مدل تشریک نیروی کار در سهام<sup>۱</sup>

در این مدل، کارفرما یک نفر و یا یک مجموعه هستند؛ یعنی یا به صورت شرکت سهامی تأسیس شده یا یک نفر این واحد تولیدی را راه انداخته و هزارتا نیروی کار هم دارد. برای اینکه این مدل، یک مدل موفق تری نسبت به بخش خصوصی و مالکیت مدل فردی باشد، می آید به تمام کارگرهای خودش بخشی از سهام کارخانه را واگذار می کند و از دستمزد آنها سهم فروش آنها را برمی دارد. یعنی در واقع بین نیروی کار و این واحد تولیدی یک علقه قوی ایجاد می کند.

الآن این سیستم در برخی از جاهای دنیا پیگیری می شود. اخیراً در آلمان یک بحثی مطرح شده که فقط اهداف سرمایه داران نباید تأمین شود و اگر یک مدیر بخواهد موفق شود اهداف هر سه دسته باید تأمین شود. حالا این مدل تشریک نیروی کار در سهام، این مدل را نزدیک می کند به مدل دوم. یعنی تمام نیروهای کار احساس می کنند اگر کارخانه قوی بشود و رونق و درآمد بیشتر بشود همه یک سهمی از درآمد و دستمزد خود دارند و در دوران رکود هم این گونه نیست که کسی بگوید به ما ربطی ندارد که تولید بخوابد! نه، این طور نیست و بالاخره آن احساس تعلقی که وجود دارد پشت تولید را خواهد گرفت. خب این مدل نسبت به مدل های قبلی به لحاظ توزیع ثروت و بهره مندی از فرصت مدل مناسبی است.

## مدل مالکیت فردی بخش خصوصی<sup>۲</sup>

مدل مالکیت فردی بخش خصوصی، همان چیزی است که در واقع ما آنرا تأیید کردیم که همان مدل بخش خصوصی سرمایه داری است. البته هر مدلی که در دنیا بوجود بیاید ما آن را می توانیم تعدیل و تأیید کنیم. منتها اگر ما بخواهیم خودمان یک نظامی را تأسیس بکنیم باید با مبانی انسان شناسی و خداشناسی و جایگاه انسان در آیات و روایات و متناسب با آن جایگاه باشد. باید همه انسان ها حق بهره مندی یکسان از فرصت ها را داشته باشند نه اینکه حق بهره مندی اقتصادی آنها یکسان باشد و باید براساس تلاش و همت خودشان و استعدادهای خدادادی خودشان از نعمت های اقتصادی بهره مند بشوند.

فکر می کنم از این مدل هایی که عرض کردم همه مدل ها مشروع است یعنی مدل دوم و سوم و چهارم و پنجم بخش خصوصی است و مدل یک و دو بخش تعاونی است.

---

۱. برای مطالعه بیشتر: تعادل بازار کار در الگوی شراکت کارگران در سود (با تأکید بر رویکرد اسلامی)، یدالله دادگر و ایرج

توتونچیان و محمدرضا آرمانهر، فصلنامه علمی پژوهشی مدل سازی اقتصادی، دوره ۷، ش ۲۳، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱-۱۲۵.

۲. برای مطالعه بیشتر: تحلیل تئوری های خصوصی سازی و تأثیر آن بر اقتصاد دولت، حجت الله یازرلو، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، دوره ۶، ش ۱۹، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۴۹-۱۶۵.

و یک بخش دیگر هم به نام بخش خیرخواهانه داریم که این بخش نه دنبال رفع نیاز مادی خودش است و نه دنبال حداکثر کردن سود خودش؛ بلکه فقط به دنبال سود آخرتی دارد. او این فعالیت را انجام می‌دهد و دولت هم می‌آید در واقع مدیریت می‌کند.

### مقالاتی برای مطالعه بیشتر

- روش کشف نظام اقتصادی اسلام، سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۸۹، ش ۳۹.
- روش‌های استنباط نظام اقتصادی اسلام، احمدعلی یوسفی، فقه، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ش ۳۳ و ۳۴.
- مکتب و نظام اقتصادی اسلام، سید حسین میرمعزی، کتاب ماه دین، آبان ۱۳۷۸، ش ۲۵.
- ارتباط نظام اقتصادی اسلام با نظام عقیدتی آن، نعمت‌الله بروجردی، معرفت، اردیبهشت ۱۳۸۰، ش ۴۱.
- مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه امام خمینی قدس سره، سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، بهار ۱۳۸۱، ش ۵.
- دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، منذر قحف، مترجم: سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۴، ش ۱۸.
- اهداف اقتصادی تعاونی، رابطه آن با اهداف نظام اقتصادی اسلام و قانون جمهوری اسلامی ایران، احمدعلی یوسفی، اقتصاد اسلامی، زمستان ۱۳۸۹، ش ۴۰.
- اهداف نظام اقتصادی اسلام، احمد قربانی، فقه اقتصادی، پاییز ۱۳۹۶، ش ۶.
- جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام و الگوی مناسب آن، سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۰، ش ۲.
- تأثیر مبانی فلسفی بر نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه امام علی علیه السلام، احمدعلی یوسفی، اقتصاد اسلامی، بهار ۱۳۸۲، ش ۹.
- عدالت اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام و لیبرالیسم، سید محمد محمودی گلپایگانی، پژوهش‌های فقهی، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، سال دوم، ش ۵.
- جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلام (دولت مصالح)، عطاءالله رفیعی‌آتانی، اقتصاد اسلامی، زمستان ۱۳۸۶، ش ۲۸.
- مبانی فقهی مداخله دولت در قرارداد کار در نظام اقتصادی اسلام، محمود کریمی و دیگران، مطالعات اقتصاد اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ش ۲۲.
- ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلامی و ساماندهی آن، احمدعلی یوسفی، اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۸۵، ش ۲۳.
- نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر(ره) درباره هویت اقتصاد اسلامی، سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۵، ش ۲۲.

اندیشه اقتصادی استاد شهید مرتضی مطهری (ره)، سعید فراهانی فرد، قبسات، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳، ش ۳۰ و ۳۱.

فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی، سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۹۴، ش ۵۹.

اهداف اقتصادی حکومت اسلامی، احمدعلی یوسفی، حکومت اسلامی، زمستان ۱۳۸۷، ش ۵۰.

### آشنایی با سخنران

احمدعلی یوسفی (متولد لاهیجان ۱۳۳۹) در سال ۱۳۵۹ مقارن با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها، راهی قم شده و در حوزه علمیه قم در کنار دروس حوزوی به تبلیغ و حضور در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل مشغول شد. در سال ۱۳۶۷ دروس عمومی حوزه را به پایان رساند و در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «سبحانی» و «تبریزی» شرکت کرد.

بعد از جنگ در کنار دروس حوزوی، به جهت ضرورت نظام جمهوری اسلامی ایران در رشته «اقتصاد اسلامی» تحصیل را آغاز کرد و در سال ۱۳۷۵ همزمان با تحصیل در حوزه، موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی شد.

او سپس توانست دوره دکتری فقه اقتصاد با گرایش اقتصاد نظری را طی کند که در حوزه‌های تخصصی زیر است: اقتصاد تعاون از منظر اسلام، پول و احکام فقهی آن، نظام اقتصادی اسلام.

استاد یوسفی هم‌اکنون ضمن بهره‌مندی از دروس خارج فقه و اصول، مشغول تدریس دروس تخصصی یادشده است و همزمان مسئول انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم نیز هست.

وی علاوه بر چاپ مقالات و کتاب‌هایی در زمینه اقتصاد اسلامی، در برنامه‌های رادیویی همچون در مسیر سرنوشت، اندیشه‌ها، نقدونظر و اسلام و اقتصاد به تبیین مباحث اقتصادی می‌پردازد.

ایشان هم‌اکنون دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده نظام‌های اسلامی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تهران است.

برای آشنایی کامل با آثار متعدد ایشان ر.ک: [islamic.ec.ir](http://islamic.ec.ir) (انجمن علمی اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم).